شهرداد روحانی در تهران می‌نوازد

گروه ادب و هنر| شهرداد روحانی به جمع کسانی پیوسته است که به برگزاری کنسرت در شهرستان‌ها نیز علاقه‌مند هستند. بعد از استقبالی که از او در رشت شد، قرار است سفرهایش را ادامه بدهد. روحانی در این میان از برگزاری کنسرت در پایتخت هم غافل نیست و قرار است ۱۲ مرداد در سالن فرهنگسرای نیاوران کنسرت تابستانی‌اش را به شکل کوارتت روی صحنه ببرد. این اجرا در ششمین روز جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر ارکستر زهی خواهد بود که رهبری‌اش نیز به عهده شهرداد روحانی است. روحانی در این کنسرت پیانو خواهد نواخت و نوازندگان هارپ و سازهای ضربی نیز ساز او را همراهی خواهند کرد.

یادداشت

نگاهی به مجموعه داستان «پل‌ها» نوشته احمد ابوالفتحی

عاشقانه‌ها

سعید بردستانی
داستان‌نویس

«پل‌ها» نخستین اثر احمد ابوالفتحی مجموعه‌ای از هفت داستان کوتاه است که حول محور عشق‌های افلاطونی و حسرت‌های تاریخی می‌گردد. آدم‌ها واله عشق‌های گذشته در برزخی میان خواب و بیداری در رفت و آمدند. نوستالژی بر پشت آنها سنگینی می‌کند و سوگوار روزهای خوش گذشته، در تکاپو برای احیای آن هستند. داستان‌های مجموعه پل‌ها مشحون از تعابیر و توصیفات عاشقانه‌اند و ذهن و زبان آدم‌ها سودایی و غنایی است. برای مثال در داستان زیبای «خرابه‌های ری» پسر و دختر قراری عاشقانه در یک مکان تفریحی در کرانه نهر سورن گذاشته‌اند که گمان می‌کنند در زیر زمین آنجا شهری باستانی مدفون شدهَ است. پسر و دختر هر کدام جداگانه تلاش می‌کنند همدیگر را کشف کنند، در حالی که همزمان دل‌مشغول کشف شهر زیرزمینی هستند و آشکار و نهان به آن فکر می‌کنند. در این میان نوستالژی کودکی و یاد سنگین پدر مانند شهری زیرزمینی در لایه‌های زیرین ذهن‌شان گاه و بی‌گاه خودنمایی می‌کند. نهر سورن که از گذشته تاکنون همچنان جریان دارد عنصری است که آدم‌ها را مدام به گذشته می‌برد. ضمن اینکه بوف کور و کلیشه‌های معروف آن مانند نهر سورن، نیلوفر، ری، پیرمرد خنزرپنزری، شالمه، قوزی، اثیری، سرو و... به‌عنوان یکی از زیرلایه‌های داستان مدام خواننده را به نوستالژی داستان ایرانی پیوند می‌زند. همه داستان‌ها به زبان و فرم‌های زبانی توجه ویژه دارند و از آبشخوری تاریخی و غنایی بهره می‌برند. از این نظر توجه ابوالفتحی به زبان و مراقبت از آن و وسواس او در به کارگیری کلمه دقیق و درست قابل احترام است. از طرفی کنکاش تاریخ و بازنگری در گذشته یکی از وجوه گمشده داستان امروز است که نویسنده به آن اهتمام دارد. به نظرم داستان‌های «خرابه‌های ری»، «پل‌ها لب‌های آویزانند» و «شیریان» داستان‌های بهتر و کامل‌تر مجموعه هستند. اما داستان‌های گرفتگی و مرگ و زندگی ولادیمیر ایلیچ جزء داستان‌های ناموفق مجموعه‌اند. مخصوصا داستان گرفتگی که روایت مغشوشی دارد و برای فتح‌باب یک مجموعه اصلا انتخاب مناسبی نیست.

از نمایی دورتر یک نکته کلیدی درباره این مجموعه آن است که تمرکز تقریبا تمام مجموعه بر عشق‌های روشنفکری و روابط اقلیتی می‌تواند منجر به فاصله داستان‌نویسی نویسنده با اکثریت شود و این در یک مقیاس بزرگ‌تر می‌تواند زنگ خطری برای داستان ایرانی باشد.

پل‌ها
نویسنده: احمد ابوالفتحی
ناشر: چرخ

خبر جین

سینمای ایران خوب می‌فروشد

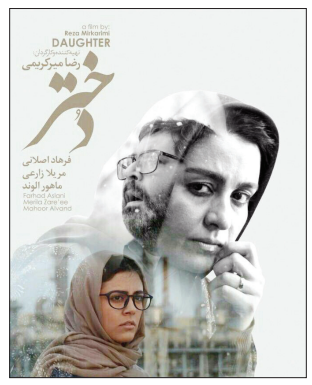

پوستر فیلم‌های دراکولا و دختر

گروه ادب و هنر| درحالی که برخی اصرار دارند بگویند فروش سینماها در ماه‌های اخیر افت داشته است، رئیس کانون پخش‌کنندگان سینمای ایران خبر از اقبال مخاطبان از فیلم‌ها در خرداد امسال داده و میزان افزایش آن را نسبت به پارسال دوبرابر دانسته است. علی سرتیپی، تهیه‌کننده و رئیس کانون پخش‌کنندگان سینمای ایران گزارش داده است: «براساس فروش مکانیزه سینماها فروش فیلم‌ها در خرداد امسال ۱۳ میلیارد تومان بوده است و دو میلیون ۱۰۰ هزار تماشاچی به دیدن فیلم‌ها در سالن‌های سینما نشستند؛ اما این رقم در سال گذشته پنج میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان بوده و تنها یک میلیون تماشاچی از سالن‌های سینما استفاده کردند.» سرتیپی فروش فیلم‌ها در سه ماهه اول امسال را ۶۰ میلیارد تومان دانسته است که به گفته او ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تماشاچی از فیلم‌ها دیدن کرده‌اند. بنابرگفته مدیرعامل فیلمیران فروش فیلم‌های سینمای ایران در سه ماهه اول سال گذشته ۱۶ میلیارد تومان بوده و تنها یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر مخاطب به تماشا نشسته‌اند. سرتیپی گفته است: «فروش سه ماهه اول سال ۸/۹۵ میلیارد تومان بیشتر از فروش کل سینمای ایران در سال ۹۳ است که امیدواریم با توجه به اکران مناسب فیلم‌ها در زمان‌های مختلف شاهد توجه مخاطب بیش از پیش به سینمای ایران باشیم و موفق‌تر از گذشته عمل کنیم.» حال باید دید اکران فیلم «دراکولا» به کارگردانی رضا عطاران آمار فروش سینمای ایران را تا چه اندازه در روزهای پیش‌رو جابه‌جا می‌کند. از امروز همچنین دو فیلم «دختر» به کارگردانی رضا میرکریمی و «زاپاس» به کارگردانی برزو نیک‌نژاد در سینماها اکران می‌شوند و فیلم پربیننده «بارکد» هم به فروشش ادامه می‌دهد. «عادت نمی‌کنیم» و «ایستاده در غبار» از دیگر فیلم‌های در حال اکران سینمای ایران هستند.

گزارش اول

«پاگنده» از جهان رفت

راسل کرو: روحت شاد، باد اسپنسر

گروه ادب و هنر| «از شما متشکرم». این آخرین جمله باد اسپنسر، بازیگر مشهور فیلم‌های کمدی وسترن است که دوشنبه در ۸۶ سالگی در رم از دنیا رفت. پسرش که خود تهیه‌کننده سینماست، گفته است که پدرش در جمع خانوادگی در کمال آرامش نگاهی به آنها کرده است و بعد از بر زبان آوردن عبارت «متشکرم» چشم از این جهان فرو بسته است. اسپنسر، بازیگر محبوب و پرطرفداری بود و بلافاصله بعد از انتشار خبر مرگش، رسانه‌های جهان به این خبر واکنش نشان دادند. در این باره متئو رنزی، نخست‌وزیر ایتالیا توییت کرد: «باد اسپنسر خیلی دوستت داشتیم.» راسل کرو بازیگر سرشناس هالیوودی هم نوشت: «روحت شاد باد اسپنسر... قلبم با خانواده‌ات است.» اوسوالدو دی سانتیس، رئیس کمپانی فاکس قرن بیستم ایتالیا هم توییت کرد: «اسپنسر، بازیگری بود که سینمای ایتالیا باید سپاسگزارش باشد زیرا او فیلم‌های ایتالیایی را در سراسر جهان شناساند.» باد اسپنسر با بازی در مجموعه‌ای از کمدی اسپاگتی‌های ایتالیایی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به چهره‌ای مشهور بدل شد. فیزیک متفاوتش همواره او را در کانون توجه قرار می‌داد. از بابت همین فیزیک بدنی خاصش بود که سال ۱۹۵۱ نقش یکی از اعضای گارد پرتوریا را در فیلمی هالیوودی بازی کرد و با همان نقش پیشنهادهای بعدی هم از راه رسیدند. او نخستین ایتالیایی بود که موفق شد ۱۰۰ متر را در کمتر از یک دقیقه در ۱۱ سالگی طی کند و شاید اگر پیشنهاد اول از راه نرسیده بود، به یکی از چهره‌های مشهور ورزشی تبدیل می‌شد. اسپنسر در رشته‌های شنا و واترپولو به المپیک‌های ملبورن و هلسینکی راه یافته بود. علاوه‌براین دکتری حقوق هم داشت. زمانی هم خلبان جت و هلی‌کوپتر شد و ماجراجویی‌هایش را با ورود به دنیای سیاست ادامه داد که البته در این حوزه موفق نشد. در ۳۸ سالگی با ترنس هیل به‌عنوان زوجی بزن بهادر و شکست‌ناپذیر با فیلم «خدا می‌بخشد... من نه» در سینما ظاهر شد و تا سال ۱۹۹۴ در بیش از ۲۰ فیلم سبک وسترن اسپاگتی همبازی شد. «پاگنده» یکی از فیلم‌های مشهور او بود که خودش نیز با همین نام سر زبان‌ها افتاد. فیلم‌های او همواره در جهان طرفداران زیادی داشت و مرگ او در فضای مجازی در سراسر جهان با واکنش‌های زیادی روبه‌رو شد. این خبر دیروز به یکی از خبرهای پربازدیدکننده تبدیل و در رسانه‌ها و فضای مجازی ایران نیز به سرعت منتشر و بازنشر شد. در ایران اسپنسر را با دوبله ایرج دوستدار می‌شناختند که به جای او حرف می‌زد. به جای همبازی‌اش هیل هم در ایران ابوالقاسم تهامی‌نژاد، چنگیز جلیلوند و سعید مظفری حرف زده‌اند. دوبله فیلم‌های «من ترینیتی هستم»، «من هنوز ترینیتی هستم»، «مردان مزدور» و «حادثه‌سازان» از جمله فیلم‌های مشترک اسپنسر و هیل است که به فارسی دوبله شده‌اند و فارسی‌زبان‌ها از این فیلم‌ها خاطره‌های خوبی دارند.

باد اسپنسر بازیگر

آسیب‌شناسی سینمای کودک و نوجوان درگفت‌وگو با فرزاد اژدری، فیلمساز و عضو شورای راهبردی

فیلمسازی برای پروفسورهای کوچک

مهربانو ابدی‌دوست
m1.abadidost@fdn.ir

نیم‌نگاهی به آمار فروش گیشه‌های سینمای جهان نشان‌دهنده این واقعیت است که بخش عمده‌ای از فیلم‌های پرفروش در حوزه کودک و نوجوان ساخته شده است و این فیلم‌ها در بازار جهانی مشتریان زیادی دارند. فیلم‌های کودک و نوجوان که روزگاری از شاخصه‌های مهم سینمای ایران بود، درحال حاضر تنها به بهانه یکی، دو جشنواره به تکاپوی موقتی می‌افتد. تجربه پرفروش شدن فیلمی مثل «مدرسه موش‌ها» و «کلاه‌قرمزی» نشان داد که از اتفاق این سینما ظرفیت زیادی برای پرمخاطب شدن و فروش بالا دارد. برای آسیب‌شناسی این مساله مهم به سراغ فرزاد اژدری رفتیم که در کارنامه‌اش فیلم‌هایی همچون «عملیات مهدکودک»، «وروجک‌ها» و «سلام بر فرشتگان» را دارد. فیلم‌هایی که هرکدام در جشنواره‌های مختلف جوایزی را دریافت کردند و در اکران عمومی هم با استقبال خوبی مواجه شدند. اژدری هم‌اکنون عضو شورای راهبردی سینمای کودک و نوجوان است.

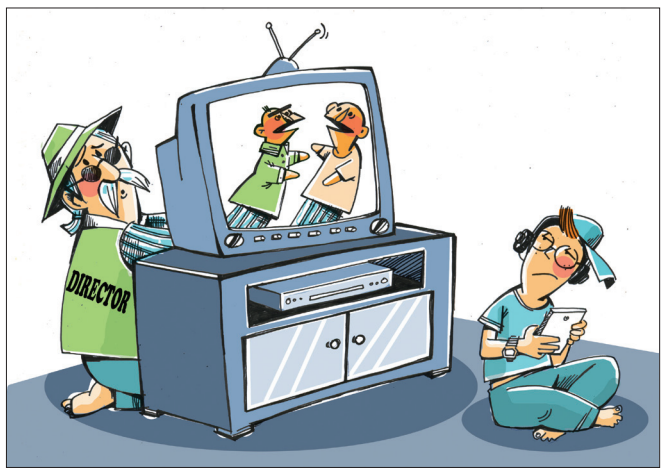

طرح: فیروزه مطهری|فرهیختگان

هرساله نزدیک جشنواره کودک و نوجوان بحث این سینما مطرح می‌شود و چندتایی فیلم هم در جشنواره به نمایش در می‌آید. چرا این فیلم‌ها در جرقه اکران عمومی تاثیر چندانی ندارند؟

سال‌هاست نزدیک جشنواره امکانی فراهم می‌شود که تعدادی از کسانی که دوست دارند برای کودک فیلم بسازند بتوانند از یک‌سری از پیشکسوتان یا خانه‌نشین‌ها در فیلم خود استفاده کنند. یک‌سری هم کیفیت آثارشان به خاطر مسائل هول‌هولکی نزدیک جشنواره کم می‌شود. اما در نظر داشته باشید ماجرای جشنواره از تولید جداست. قرار نیست ما به خاطر اینکه جشنواره داریم، فیلم تولید کنیم یا به خاطر اینکه تولید نداریم، جشنواره راه بیندازیم. هیچ جای دنیا این‌طور نیست. حالا در نظر داشته باشید فیلم‌هایی که با عجله ساخته شده‌اند، به دلیل کیفیت پایین ارزش اکران ندارند. خیلی از فیلم‌های کودک و نوجوانی که در این سال‌ها ساخته شده است، پخش نشده‌اند و برخی هم به دلیل خاص بودن‌شان به درد گنجاندن در گروه هنر و تجربه می‌خورد تا اکرانی هم داشته باشند.

یعنی اینکه فیلم‌های بی‌کیفیت باید در گروه هنر و تجربه اکران شود؟

فضا و نگاه این فیلم‌ها جشنواره‌ای بوده و از آنجایی که پخش‌کننده‌ها با نگاه مردم‌پسندانه و استقبال عمومی بیشتر موافق هستند، این فیلم‌ها امکان نمایش پیدا نکردند.

شما به‌عنوان عضو شورای راهبردی سینمای کودک و نوجوان راه‌حلی ارائه ندادید؟

با توجه به برنامه‌ای که شورای راهبردی در نظر گرفته است مقداری این تعاریف به هم نزدیک می‌شود و فیلمساز اگر فیلمی می‌سازد باید هم در جشنواره استقبال شود و هم در اکران عمومی مورد توجه مردم قرار گیرد.

چرا در سینمای کودک و نوجوان روزبه‌روز وضعیت تولید بدتر می‌شود و از آن دوران طلایی فاصله می‌گیریم؟

دوران طلایی مربوط به زمانی بود که خیلی از تکنولوژی‌ها در اختیار نبود (تلویزیون، این همه کانال، ماهواره و...). بچه‌ها بالطبع به همراه بزرگ‌ترها به سینما می‌رفتند و از فیلم‌ها استقبال می‌کردند. از طرفی سینمای اجتماعی توانسته است خودش را همراه و همگام با تماشاگر جوانش کند و خواسته‌های نسل جوان را تا حد زیادی بسازد و با آنها همذات‌پنداری کند، اما در سینمای کودک این اتفاق نیفتاده است.

چرا این اتفاق افتاده است؟

کسانی که کار کودک می‌کردند، بعضا کنار کشیده‌اند و دیگر کار نمی‌کنند. آنها پیر شده‌اند و کودک درون‌شان دیگر فعال نیست. کسانی هم که جوان هستند و وارد این کار می‌شوند، متاسفانه با این استقبالی که از سینمای طنز و کمدی شده است، همه به دنبال این هستند که یک کار طنز بسازند و میلیاردی فروش کنند. اینها همه دست به دست هم داده‌اند تا خیلی از فیلم‌های کودک و نوجوان ساخته نشود. همین حبابی که برای فیلم‌های طنز و کمدی و اجتماعی به وجود آمده، باعث شده است سرمایه‌گذار هم با خودش فکر کند فیلم‌های دیگر فروش نمی‌کند. ولی باید یادمان نرود خیلی از کسانی که در کشور ما زندگی می‌کنند، نوجوانند و ما باید برای اینها فیلم بسازیم. نسل کودک و نوجوان ما احتیاج به سینمای موردنظر خودش دارد؛ فیلم‌هایی که بگوید من می‌روم فیلم خودم را ببینم. متاسفانه این تفکر که در فیلمسازی برای کودک و نوجوان سودی نیست، وجود دارد. با وجود استقبال شدید مردم از فیلم کودک و نوجوان نه سرمایه‌گذاری می‌کنند و نه دیگر فیلمی می‌سازند. این اتفاق در آینده نزدیک خودش را به صورت یک معضل نشان می‌دهد.

> خیلی از بازیگران ما در فیلم‌های هالیوودی دارند بازی می‌کنند و درخشش دارند مانند پیمان معادی، همایون ارشادی و همچنین خیلی از دست‌اندرکاران پشت صحنه فیلم‌های ما هم دارند در آن طرف کار می‌کنند

آیا فیلم‌های کودکی که این سال‌ها از آنها استقبال شد، خلاف این مساله را نمی‌گوید؟

نه، باید حرکت روبه جلو و رشدی می‌داشتیم. نمی‌دانم واقعا چرا ساخت فیلم کودک و نوجوان تابو شده است. یک زمانی می‌گفتند فیلم دختر و پسری تابو است، الان همه این‌طوری فیلم می‌سازند یا اینکه یک زمانی ساخت فیلم دفاع مقدس در بورس بود ولی الان دیگر کسی به خاطر هزینه‌های بالا فیلم دفاع مقدسی نمی‌سازد. در حالی که اتفاقی است که در کشور ما افتاده و هر سال باید یکی، دو فیلم دفاع مقدس خوب داشته باشیم. البته لااقل در هفته دفاع مقدس یک‌جورایی به سینمای دفاع مقدس توجه می‌شود. حتی این مجال هم برای سینمای کودک و نوجوان نیست. این درحالی است که مردم فیلم‌های کودک و نوجوان را دوست دارند و شاهدش هم استقبالی است که از کارتون‌ها و انیمیشن‌های روز دنیا در بساط دستفروش‌ها یا از طریق دانلود می‌شود. دوبله این فیلم‌ها در شبکه خانگی هم مورد استقبال قرار می‌گیرد ولی نمی‌دانم چرا تهیه‌کنندگان یا سرمایه‌گذاران چشم‌هایشان را روی این مساله بسته‌اند. فروش میلیاردی «خاله‌سوسکه»، «کلاه‌قرمزی» و «شهر موش ها۲» استثنا نیست.

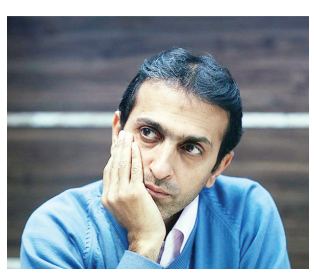

فرزاد اژدری، فیلمساز

چرا از برخی فیلم‌ها استقبال نمی‌شود؟

یکی اینکه بد زمانی اکران می‌شوند. باز یک تصور غلط است که فیلم کودک فقط در زمان مدارس باید اکران شود. نه، اصلا این نیست. بلکه آنها می‌خواهند با آوردن مدارس در سالن سینما بگویند ما مخاطب‌مان را پیدا کردیم، درحالی که تابستان بچه‌ها اوقات فراغت بیشتری دارند و نمی‌دانند چه کار کنند. همین حالا فیلم «ننه‌نقلی» بدون سر و صورت و بدون اینکه هیچ ادعایی داشته باشد، فروش خوبی دارد. یک نکته مهم دیگر هم هست. انگار ما دوست نداریم بچه‌های‌مان از طریق سینما با فرهنگ ایرانی آشنا شوند، بلکه اجازه می‌دهیم از طریق مثلا باب اسفنجی مورد هجمه فرهنگی بیگانگان قرار گیرند. متاسفانه خیلی از فیلمسازان کودک ما از کودک درون خود فاصله گرفته‌اند و فیلم‌هایی می‌سازند که برای خودشان نوستالژیک است نه برای بچه‌های الان. بچه‌های الان نسلی هستند که پروفسور به دنیا می‌آیند و نمی‌شود با آنها راحت به تعامل و زبان مشترک رسید. باید شناخت‌شان و درک‌شان کرد.

از باب‌اسفنجی حرف زدید و سینمای جهان. آیا ما می‌توانیم در سطح جهانی رقابت کنیم؟

اگر بخواهیم بله. پس چطور است که ما در بخش بزرگ سال فیلم‌هایی در سطح جهانی بسازیم؟ خیلی از بازیگران ما در فیلم‌های هالیوودی دارند بازی می‌کنند و درخشش دارند مانند پیمان معادی، همایون ارشادی و همچنین خیلی از دست‌اندرکاران پشت صحنه فیلم‌های ما هم دارند در آن طرف کار می‌کنند. با نظام هالیوودی سختگیرانه درخشش هم دارند، مانند گروه بدلکاران عرش عباسی که جایزه ارشد بدلکاری دارند برای فیلم اسکای اف. ما از این مثال‌ها کم نداریم. اصغر فرهادی خودش به تنهایی نشان می‌دهد که ما هم بلدیم، فقط باید بخواهیم. درعرصه سینمای کودک کسی حال و حوصله‌اش را ندارد. شاید فکر می‌کنند نمی‌ارزد و شاید فکر می‌کنند اگر با دو جوان در یک آپارتمان فیلم بسازم راحت‌ترم تا اینکه با یک عده بچه سر و کله بزنم.

سریال

فیلمنامه‌ای برای سیروس مقدم

گروه ادب و هنر| سعید نعمت‌الله درحال نوشتن فیلمنامه‌ای با نام «لبخند رخساره» به تهیه‌کنندگی زینب تقوایی است. نعمت‌الله که اغلب فیلمنامه‌هایش در بستر اجتماعی با تمی عاشقانه است «لبخند رخساره» را هم بر همین مبنا می‌نویسد. او قرار بود بعد از نگارش سریال «پشت‌بام تهران» که کارگردانی آن را بهرنگ توفیقی برعهده داشت و دی ماه از تلویزیون پخش شد، سریالی را با نام «اسد، برادر جان» بنویسد و کارگردانی کند اما با تغییر مدیران این پروژه به تعویق افتاد. نعمت‌الله که قبل‌تر فیلمنامه پرمخاطب «میکائیل» را برای سیروس مقدم نوشته است، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» امیدوار است که سریال جدیدش را هم مقدم بسازد.

سینما

«شیر تو شیر» سر از شبکه خانگی درآورد

گروه ادب و هنر| فضل‌الله همسرش را هنگام زایمان از دست می‌دهد و مشکل او از زمانی شروع می‌شود که بچه‌اش تنها شیر آدمیزاد می‌خورد. حالا او باید در روستا زنی را پیدا کند که به بچه‌اش شیر بدهد. این خلاصه داستان فیلم سینمایی «شیر تو شیر» به کارگردانی و نویسندگی ابراهیم فروزش است که دیروز سه‌شنبه هشتم تیر در میان انبوهی از سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی به شبکه خانگی آمد. هوشنگ مرادی‌کرمانی فیلمنامه شیر تو شیر را نوشته است. در این فیلم هدایت هاشمی، سینا رازانی، ستاره اسکندری، کتانه افشاری، مائده طهماسبی، لیلا اوتادی و حسین قاسمی ایفای نقش می‌کنند. این فیلم که در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اکران شد، مدت‌ها برای اکران در سینماها بلاتکلیف ماند و سرانجام سر از شبکه خانگی درآورد. فروزش می‌گوید که این فیلم را با نگاهی طنزآلود به برخی از ویژگی‌های رفتاری غلط مردم یک روستا ساخته است.

تجسمی

میز ناهارخوری رئیس جمهور سابق چقدر می‌ارزد؟

گروه ادب و هنر| جیمی کارتر، رئیس‌جمهور سابق آمریکا دل به نقاشی کردن بسته و از این بابت در جمع بسیاری از چهره‌های مشهور جهان سیاست قرار گرفته است. آثارش هم در حراجی‌ها به قیمت بالایی خرید و فروش می‌شود. به تازگی یکی از نقاشی‌های او به قیمت ۷۵۰ هزار دلار در حراجی مرکز «کارتر» آناپولیس چوب حراج خورده که رقم قابل توجهی است. سی و نهمین رئیس‌جمهوری آمریکا مبلغ حاصل از فروش تابلویش را در اختیار مرکز کارتر برای پیشبرد اهداف آن قرار داده است. تابلوی شکوفه‌های سیب صحرایی در میان ۱۵۰ اثر دیگر به بالاترین قیمت به فروش رفته است. از کارتر میز ناهارخوری همراه ۶ صندلی که کار دست او و چند هنرمند دیگر است نیز به قیمت ۶۰۰ هزار دلار به فروش رفته است. از دیگر آثار به فروش رفته در این حراجی باید به عکسی اشاره کرد که پنج رئیس‌جمهور آمریکا آن را امضا کرده‌اند و به قیمت ۲۸۵ هزار دلار فروخته شده است.